

جنگ مردم



کیومرث اشتریان

جنگ مردم، جنگ آرامش و مقاومت است. این روزها صحنه‌هایی از شکوه اتحاد و آرامش مردمی در کشور دیده می‌شود که شاید برای بسیاری نامنتظر بود. شکبایی مردمی پس از ضربه اطلاعاتی-روانی نخستین و بازسازی روانی-نظامی ایران، شگفت‌آور بود. چنین ضربه‌ای می‌تواند دولت‌ها را سرنگون کند و دشمنان نیز دقیقاً همین محاسبه را کرده بودند. ایرانیان از هر گروهی و با هر گرایش‌ی این جنگ را جنگی علیه تمامیت ارضی خود تلقی کردند و با هر زبانی و هر واکنشی فهم عمیق خود را از شرایط موجود نشان دادند. آنان عزم اسرائیل بر جنایت بی‌محبا و پاک‌سازی نظامی کشورهای منطقه را دیده‌اند، ازاین‌رو اختلافات خود را به کنار نهادند و عملاً حضور دشمن خارجی برای تأثیرگذاری بر این اختلافات را منتفی دانستند. کتابی که سال گذشته از سوی ایلان ماسک با عنوان «اعزام [نیرو] به امپراتوری فارس» معرفی شد، اینک نشان می‌دهد که همه آنان از نقشه‌ها آگاهی داشته‌اند که با الگوبرداری سطحی از آن کتاب با اجبرکردن شماری مزدور بتوانند شاهزاده‌ای فرومایه را بر تخت بنشانند. اما اتحاد ایرانیان برای آنها غیرمنتظره بود. تاریخ جنگ‌های ایران و روم در کتاب‌های نظام‌های آموزشی برخی از کشورهای غربی حضوری معنادار دارد و ازاین‌رو برای شمار درخورتوجهی از آنان زنده است؛ چیزی که در ادبیات عامه مردم ایران کمتر مشاهده می‌شود. ایرانیان، گویی آن جنگ‌ها را به تاریخ سپرده‌اند و بار منفی آن را تا به امروز با خود حمل نکرده‌اند. اگرچه ایرانیان در پی نزاع تمدنی آن‌گونه که در غرب در شکل نژادپرستی فرهنگی مشاهده می‌شود، نیستند، اما به‌زودی این تهاجم را علیه تمامیت ارضی خود به حساب آوردند و پیشینه‌ای تاریخی-تمدنی برای آنان زنده شد و همین راز پایداری ایران شد، اما خودآگاهی غربیان از جنگ‌های باستانی دستمایه‌ای برای برخی از سیاست‌مداران غربی شده است تا به ترویج نوعی جنگ تمدنی و نژادپرستی فرهنگی بپردازند. ریشه هم‌رسانایی رسانه‌های اروپایی با تهاجم اسرائیل نیز در همین نهفته است.

امروزه متأسفانه کشورهای بزرگ اروپایی در چنگال نژادپرستی فرهنگی گرفتار شده‌اند و همین سبب شده است تا چشم بر جنایت‌ها و تجاوزهای اسرائیل در فلسطین و لبنان و اینک ایران برندند. آنان به غلط ایران را تهدید می‌دانند. درحالی‌که تهدید اصلی برای آنان که پرچمدار لیبرال‌دموکراسی بوده‌اند، همین است که ریشه اعتماد ملتها به شعارهای آزادی و حقوق بشر آنان خشکیده شد. تهدید اصلی برای آنان شکست در عرصه گفتمانی است، چراکه مردمان، دیگر همه آن شعارها را توخالی دیدند-اند. این پدیده، برتری گفتنمان حقوق‌بشری غربی را به چالشی اساسی و تاریخی می‌کشد که اثرات آن را از هم‌اینک در میان جهانیان و حتی خود آمریکاییان می‌توان دید. به قول یک بانوی آمریکایی در یکی از شبکه‌های اجتماعی خطاب به سیاست‌مداران «اینک ما دیگر همه چیز را به عیان و در لحظه می‌بینیم. دیگر نمی‌توانید به ما دروغ بگویید». به‌این‌صورت این جنگ تنها جنگ ایران و اسرائیل نیست، بلکه جنگ سلطه آبارتاید بر خاورمیانه است که از سوی رسانه‌های جریان اصلی در غرب سفیدشویی می‌شود. آنان می‌دانند که ایران سلاح هسته‌ای ندارد، همه‌گونه نظارت‌های بین‌المللی را پذیرفته و عضو آن بی‌تی است، درحالی‌که اسرائیل نیست. آنان همه این حقایق را می‌دانند اما هم به دلیل نژادپرستی پنهان و هم به دلیل ترس از از دست دادن موقعیت‌شان این جنایات را توجیه می‌کنند و ایران را در تجاوز پیش‌دستانه اسرائیل مقصر جلوه می‌دهند. آزادگان و روشنفکران جهان حق دارند که پرسند آیا نتیجه این‌همه تفاخر فرهنگی در باب آزادی و دموکراسی و حقوق بشر همین شد که دولتی متجاوز به سرکردگی گروهی تبهکار خون ۵۰ هزار فلسطینی را به بهانه ۷ اکتبر حماس بربزد و جریان اصلی لیبرال‌دموکراسی اروپایی سکوت و حمایت کند؟ آیا نتیجه آن شعارها این بود که یک خودشیفته بر بزرگ‌ترین قدرت لیبرال‌دموکرات جهان حکم بوالهوسی براند و از اسرائیل بی‌محبا حمایت کند؟ نتیجه آن شعارها این بود که در افغانستان داعش بسازد و در عراق و سوریه و لبنان خون بربزد و اینک به ایران تجاوز کند؟ این جنگ، جنگ حقیقت و البته جنگ مردم است. اما با همه اینها این مردم و سرنوشت آنان است که در دستان تصمیم‌گیران است. ما از ظرفیت‌ها و امکانات نظامی بی‌اطلاعیم، بنابراین نمی‌توانیم به‌طور قاطع نظر بدهیم.

یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴
۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۲۲ ژوئن ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۳۸
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

گزارش میدانی «شرق» از قطعه ۴۲ بهشت زهرا که برای خاکسپاری شهدای حمله رژیم صهیونیستی اختصاص داده شد

پرنده‌تر ز مرغان هوایی

گزارش تیتریک را در صفحه ۴ بخوانید



روایت رسمی ایران از تجاوز اسرائیل در اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی همراه با ایزنی‌های چندجانبه تا نشست محرمانه

دیپلماسی در میدان استانبول

یادداشت

چرا علاوه بر پدافند غیرعامل، به پدافند مدنی نیاز داریم



مهدی زارع

به باور نگارنده در زمان مقابله با تجاوز نظامی ارتش متجاوز اسرائیل به میهن‌مان پرشش مهمی در ساماندهی پدافند ملی در برابر تجاوز، مطرح می‌شود؛ پدافند مدنی و پدافند غیرعامل کدام‌یک به پدافند ملی ما بیشتر کمک می‌کنند و کدام یک در دنیای مدرن بسامان‌تر و کارا تر است. پدافند مدنی اصطلاحی گسترده‌تر است که طیف وسیعی از اقدامات را برای محافظت از غیرنظامیان در برابر سوانح طبیعی و انسان ساخت ازجمله جنگ مسلحانه و تروریسم در بر می‌گیرد. پدافند غیرعامل به‌طور خاص به اقداماتی اشاره دارد که برای کاهش آسیب‌پذیری و به حداقل رساندن خسارات احتمالی ناشی از حملات دشمن -بیشتر در جنگ‌ها و در مداخلات تروریستی- انجام می‌شود. پدافند مدنی شامل عناصری از پدافند غیرعامل است و به حفاظت از سامانه‌های پدافند غیرعامل می‌پردازد و شامل فعالیت‌های گسترده‌تر پیشگیری، کاهش ریسک، آمادگی و واکنش در برابر سوانح در سطح جامعه نیز می‌شود. پدافند مدنی حاوی آموزش عمومی، سامانه‌های هشدار، برنامه‌های تخلیه، ساخت پناهگاه و ارائه خدمات ضروری در جریان بحران‌هاست. پدافند غیرعامل به‌طور خاص بر کاهش آسیب‌پذیری و خسارت ناشی از حملات دشمن متمرکز است. هدف پدافند غیرعامل به‌حداقل‌رساندن اثرهای حملات بدون نبرد مستقیم نظامی و سلاح است و شامل استتار، اختفا، مقاومت‌سازی زیرساخت‌ها، پراکندگی منابع و تاکتیک‌های فریب می‌شود. راهبرد پدافند غیرعامل شامل استتار تأسیسات نظامی، ساخت پناهگاه‌های ضد بمب یا توزیع تدارکات حیاتی در مکان‌های متعدد نیز هست. پدافند مدنی با کل‌نگری نسبت به همه مخاطرات، به حفاظت از سامانه‌های پدافند غیرعامل نیز توجه دارد که عمدتاً مختص تهدیدات نظامی و تروریستی است. در پدافند مدنی بر مدیریت کلی شرایط اضطراری و در پدافند غیرعامل بر به حداقل رساندن خسارت ناشی از حملات و بر اقداماتی برای کاهش آسیب‌پذیری در جریان حمله متمرکز می‌شوند. بنابراین و بنا بر تعریف، پدافند غیرعامل زیرمجموعه‌ای از پدافند مدنی است که به‌طور خاص برای مقابله با تهدید حملات دشمن طراحی شده است. هیچ‌کدام به‌طور کلی «بهرتر» نیستند؛ اما راهبردهای مختلفی هستند که بهتر است با هم استفاده شوند. پدافند مدنی در برابر تهدیدهای متعارف با بهره‌گیری از هشدار پیش‌هنگام (در بمباران هوایی، سوانح طبیعی در جریان جنگ) مؤثرتر است. پدافند غیرعامل در برابر حملات دقیق، خرابکاری، حملات سایبری یا حملاتی که پدافند نظامی در آنها غیرممکن یا بسیار به‌هزینه است (مقاوم‌سازی شبکه‌های برق در برابر تهاجمات، طراحی پل‌ها برای تاب‌آوری در برابر انفجار،

یادداشت

همه با هم برای ایران؛ این کهن بوم و بر



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

تصمیم‌گیری یک ملت بزرگ و سرافراز را نادیده گرفته و خواسته خود را بر او حاکم کند. به بیان دقیق‌تر دشمنی این قدرت بیگانه با فلان حزب یا فلان سیاست با فلان هدف نیست، بلکه با عریان‌ترین شیوه، آزادگی و سرافرازی یک سرزمین کهن و یک تمدن بزرگ و شوگومند را هدف قرار داده است. تعبیری که امام خمینی سال‌ها پیش در این باب به کار برد، بسیار گویا و پرمعنی است: آنها ایران را مستقل را تحمل نمی‌کنند، ایرانی را می‌خواهند که ارا به سیاست‌قدرت‌های بیگانه را بکشد. جنگ ناخواسته‌ای که رژیم صهیونیستی به کشور ما تحمیل کرده، هرچند در ظاهر برنامه هسته‌ای کشورمان را هدف گرفته، اما در اصل تلاش دارد مرکزیت تصمیم‌گیری را از داخل کشور به خارج از مرزها منتقل کند، و استقلال و سرافرازی ما را از چنگمان بریابد. ما اعضای جامعه‌ای متکثر و چندصدا هستیم، اما اینکه من و همسایه‌ام از دو دیدگاه سیاسی رقیب حمایت می‌کنیم و گاه به جروبحث با هم می‌پردازیم و حتی گاه صدای‌مان بلند می‌شود، مسئله‌ای داخلی است که ربطی به هیچ بیگانه‌ای ندارد. اینکه که کشورمان و هویت ملی‌مان مورد حمله قرار گرفته و این اتفاق موجب تقویت روحیه وحدت ملی شده است، فعالان سیاسی، روشنفکران، هنرمندان و روزنامه‌نگاران فارغ از اینکه به کدام جریان سیاسی دلبستگی دارند، از لزوم پایداری برای ایران سخن می‌گویند. مردم با همه سختی‌هایی که برخی بی‌تدبیری‌ها به آنان تحمیل کرده، برای سربلندی ایران ایستادگی می‌کنند و آن جوانمرد دماوندی که تصویرش در فضای مجازی دست به دست شد، به هم‌وطنانش که تهران را ترک کرده‌اند، امکان اقامت را بگایان را پیشنهاد می‌دهد و کاری به این ندارد که مخاطبش عضو کدام حزب سیاسی است. ایران امروز به تمام معنای نیازمند سطحی بالا از همراهی و همدلی است؛ همان گوهر ارزشمندی که راز پایداری تمدن ایرانی در فرازوشیب‌های دشوار تاریخی بوده و شوره‌رخانه در طول چند دهه گذشته کمتر مورد توجه سیاستپون و دولت‌مردان قرار گرفته است. بهترین شاهد این مدعا کاهش چشمگیر سهم دانش تاریخی در برنامه‌های آموزش رسمی کشور است.

گفت‌وگو با احمد طالبی نژاد درباره تصویر جنگ در سینمای ایران و جهان

جنگ برای فیلم‌سازان جنبه‌های دراماتیک و ترازیک زیادی دارد

۶ —

برگزیده‌ها

اختلافات رئیس‌جمهور و مقام‌های اطلاعاتی آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای ایران

جنگ قدرت میان ترامپ و جاسوسان

۵ —

وقتی مجریان کودک شجاعانه ترس را پنهان کردند

۸ —

میلیون‌ها سرمایه‌گذار ایرانی ارزهای دیجیتال با شروع جنگ تعمیلی اسرائیل با چالش‌های تازه‌ای مواجه شده‌اند

معامله‌گران رمزارز گرفتار حملات سایبری

۳ —

یادداشت

اسرائیل

چرخه بی‌پایان خشونت



اردوان امیراصلانی

در شب دوازدهم به سیزدهم ژوئن، هم‌زمان با ادامه گفت‌وگوهای هسته‌ای میان واشنگتن و تهران، نیروی هوایی اسرائیل با نقض آشکار حقوق بین‌الملل، به موضعی در خاک ایران حمله کرد. درحالی‌که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با حکم بازداشت دیوان کیفری بین‌المللی به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت روبه‌رو است، این کشور وارد جنگی تهاجمی با ایران شده و با این اقدام توجه رسانه‌ها را از بحران انسانی در نوار غزه منحرف کرده است.

ایران، به‌عنوان یکی از امضاکنندگان معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، برخلاف اسرائیل که از پذیرش بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری می‌کند، تا پیش از خروج یک‌جانبه آمریکا در ماه می ۲۰۱۸، به مفاد توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) پایبند بود؛ مسئله‌ای که بارها از سوی آژانس تأیید شده بود.

پس از لغو یک‌جانبه توافق از سوی واشگتن، ایران نیز تعهدات خود را کاهش داد و سطح غنی‌سازی اورانیوم را تا حدود ۶۰ درصد افزایش داد. کارشناسان نظامی بر این باورند، که با تصمیمی سیاسی و تنها در چند هفته، تهران می‌تواند به سطح ۹۰ درصد مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای دست یابد. البته تبدیل این توانمندی به سلاح واقعی، دست‌کم به یک سال و نیم زمان فنی نیاز دارد.

در هفته‌های اخیر، گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در چنین سقف غنی‌سازی با بن‌بست مواجه شده بود؛ درحالی‌که واشگتن خواستار توقف کامل غنی‌سازی بود، تهران حفظ سطحی از غنی‌سازی را برای تأمین نیازهای صلح‌آمیز و در چارچوب حقوق خود طبق NPT ضروری می‌دانست. در چنین شرایطی، اسرائیل با بهره‌گیری از ناکامی نیروهای نیابتی در منطقه، حملات خود را ترتیب داد تا مذاکراتی را که قرار بود یکشنبه گذشته در مسقط برگزار شود، به شکست بکشاند. اهداف اسرائیل از این حملات مبهم است؛ بااین‌حال، تجربه‌های تلخ مداخلات خارجی در عراق (۲۰۰۳) و لیبی (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که چنین اقداماتی تنها به ویرانی و هرج‌ومرج گسترده منتهی شده‌اند. در این حملات، مراکز هسته‌ای و نظامی ایران هدف قرار گرفته و شمار قربانیان غیرنظامی افزایش یافته است. زیرساخت‌های انرژی نیز مورد حمله واقع شده‌اند تا با ایجاد کمبود برق و سوخت، نارضایتی عمومی علیه حاکمیت تحریک شود. اما مردم ایران با وجود تمام مشکلات داخلی، مداخله خارجی را برنمی‌تابند.